

نویسنده : *Anatol Lieven* «Anatol Lieven»
منبع و تاریخ نشر : ریسپونسیبل ستیت گرفت «2024-12-10»
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



**سقوط اسد یک شکست برای روسیه است - و
هیچ "بردی" برای ایالات متحده نیست**

***The fall of Assad is a defeat for Russia —
and no 'win' for the US***

**ما باید توجه داشته باشیم که برای هر نتیجه بد برای مسکو در
اینجا، واشنگتن نیز با مسیری به همان اندازه ناپایدار روبرو است**

***We should note that for every bad outcome for Moscow here,
Washington faces an equally unstable path, too***

سقوط دولت بعث در سوریه یک شکست جدی برای روسیه (و یک فاجعه برای ایران) است. با این حال، اشتباه بزرگی است که فرض کنیم این امر به طور ضروری باعث موفقیت ایالات متحده می شود.

مسکو و واشنگتن ممکن است اکنون با چالش‌های مشابهی در سوریه روبرو شوند.

سه موضوع باعث شد روسیه برای نجات **رژیم اسد** در جنگ داخلی سوریه مداخله کند. **اول**، تمایل عمومی برای حفظ یک کشور شریک بود - یکی از معدود کشورهای بی که پس از سرنگونی رژیم‌های عراق و لیبی در روسیه باقی مانده بود، که به تقویت نفوذ بین‌المللی مسکو کمک کرد. **دوم** تمایل به حفظ تنها پایگاه دریایی و هوایی روسیه در مدیترانه بود.

سوم، ترس عمیق روسیه از اینکه پیروزی اسلامگرایان منجر به تبدیل شدن سوریه به پایگاهی برای تروریسم علیه روسیه و شرکای آن در آسیای مرکزی شود. این نگرانی با حضور مبارزان متعدد از چین و دیگر مناطق مسلمان نشین روسیه در صفوف نیروهای اسلامگرا در سوریه و عراق افزایش یافت.

امید مسکو برای حفظ یک کشور شریک ستراتیژیک اکنون به طور جبران ناپذیری از بین رفته است. در مورد تهدید تروریستی، باید ببینیم. با توجه به چالش‌های بزرگی که در بازسازی دولت سوریه با آن مواجه خواهد شد، حمایت رژیم جدید به رهبری هیئت تحریر الشام (HTS) از تروریسم بین‌المللی دیوانه‌کننده به نظر می‌رسد. و به عنوان بخشی از استراتژی کلی خود برای انکار گذشته القاعده خود، **ابومحمد الجولانی**، رهبر آن، قول داده است که این کار را انجام ندهد.

با این حال، در مورد توانایی { HTS = هیئت تحریر الشام } برای کنترل متحدان خود و برخی از پیروان خود یک علامت سوال وجود خواهد داشت. در افغانستان، طالبان وعده داده بودند که پس از بازگشت به قدرت از تروریسم بین‌المللی حمایت نکنند و ظاهراً به قول خود عمل کرده‌اند. با این حال، دولت اسلامی خراسان (ISK) مستقر در افغانستان به این کار ادامه می‌دهد. و به دلیل ترکیبی از کنترل ضعیف بر بخش‌هایی از افغانستان و عدم تمایل به درگیری جدید، طالبان نتوانسته‌اند که به طور کامل از این امر جلوگیری کنند.

این موضوع باعث می‌شود که پایگاه دریایی روسیه در **طرطوس** و پایگاه هوایی در نزدیکی **لانقیه** باقی بماند. بر اساس گزارش‌ها، اسکادران روسی مستقر در **طرطوس** بندر را ترک کرده است. این می‌تواند یک تخلیه قطعی باشد یا یک اقدام احتیاطی برای دورنگ داشتن آنها تا زمانی که روابط با رژیم جدید روشن شود. گفته می‌شود پایگاه هوایی روسیه توسط نیروهای IHT محاصره شده است، اما مورد حمله قرار نگرفته است. گزارش شده است که توافقی بین مسکو و HTS برای تضمین امنیت پایگاه‌ها صورت گرفته است، اما اگر چنین باشد، این ترتیب ممکن است کاملاً موقتی باشد. با توجه به ماهیت بسیار پیچیده و نامطمئن روابطش با همه همسایگان سوریه، ممکن است منطقی باشد که رژیم جدید در دمشق اجازه دهد پایگاه‌ها باقی بمانند (شاید در ازای نفت و غذای یا مواد خوراکی از روسیه) و گزینه‌های اقتصادی تا تعادل دیپلماتیک خود را حفظ کند.

اما این موضوع به شدت با سیاست رژیم جدید در قبال اقلیت های قومی مذهبی سوریه که عموماً از رژیم بعث به دلیل ترس از ظلم اسلام گرایان سنی حمایت می کردند، مرتبط است (ترسی که با سرنوشت وحشیا نه جوامع آنها در سوریه و عراق کاملاً قابل توجیه است. که به دست داعش افتاد).

جایی که پایگاه های روسیه در امتداد سواحل مدیترانه واقع شده است، مرکز اقلیت های مسیحی و علوی سوریه قرار دارد. خاندان اسد از علویان، یک فرقه شیعه، و در 50 سال گذشته، دولت بعث در سوریه تا حد زیادی یک دولت علوی بوده است. شبه نظامیان علوی در جنگ داخلی نقش مهمی در سمت دولت داشتند و جنایات متعددی را بر مخالفان خود تحمیل کردند

الجولانی قول داده است که برای این کار نباید انتقام گرفت، حقوق اقلیت ها رعایت خواهد شد و قوانین شدید اسلام گرایان سنی اعمال نخواهد شد. با این حال، حتی اگر او در مورد این تعهدات صادق باشد، ممکن است پیروان او احساس دیگری داشته باشند.

یک رژیم تحت رهبری HTS در دمشق که می خواهد به علویان و مسیحیان اطمینان دهد، ممکن است علاقه مند به اجازه دادن به پایگاه های روسیه برای باقی ماندن باشد. با این حال، رژیمی که از شورش اقلیت می ترسد (و حمایت خارجی برای چنین شورشی است)، احتمالاً پایگاه های روسیه را به عنوان پشتیبانی بالقوه برای چنین شورشی می بیند

برای اینکه روسیه برخلاف میل دولت جدید سوریه پایگاه های خود را حفظ کند و با حمایت نیروهای محلی علوی و مسیحی، نه تنها مستلزم مداخله کشتی ها و هواپیماهای روسی است، بلکه مستلزم استقرار تعداد قابل توجهی از نیروهای زمینی است. با توجه به جنگ در اوکراین، بسیار بعید است که روسیه چنین نیروهایی را در اختیار داشته باشد.

علاوه بر این - ما نند فروپاشی سریع دولت افغانستان نیا بیتی ایالات متحده - روشی که در آن نیروهای دولتی سوریه در برابر نیروهای شورشی تحت رهبری HTS از بین رفتند، به سختی روسیه را برای ادامه جنگ در سوریه تشویق خواهد کرد.

به شکلی دیگر، این مسائل با سیاست آمریکا در سوریه نیز مواجه است. آیا واشنگتن برای حفظ پایگاه های خود در سوریه (که از آنجا هم به اهداف داعش و هم به اهداف رژیم بعث حمله کرده است) تلاش خواهد کرد؟ آیا رژیم جدید چشم بر آنها خواهد بست، یا تلاش خواهد کرد آنها را مجبور به خروج کند؟

بزرگترین مسئله ای که ایالات متحده باید در نظر بگیرد، سرنوشت **کردهای** سوریه است. در طول جنگ داخلی سوریه، با کمک گسترده ایالات متحده و دولت نیمه مستقل کرد در شمال عراق، نیروهای کرد سوریه (حزب اتحاد دموکراتیک یا PYD) بخش

وسیعی از شمال شرق سوریه را اشغال کردند، بطور قابل توجهی فراتر از قلمرو قومی اصلی خود. ایالات متحده چندین پایگاه و عملیات لجستیکی در منطقه دارد.

کشوری که در خارج از کشور به نظر می رسد برای پیروزی IHT بسیار مهم بوده و بدون شک از آن سود برده است، ترکیه و دولت ترکیه رئیس جمهور **رجب طیب اردوغان** هستند. حمله HTS از منطقه تحت کنترل ترکیه در شمال سوریه بیرون آمد و به سختی می توانست بدون حمایت ترکیه رخ دهد. استفاده موفق HTS از پهپادها به شدت به کمک ترکیه اشاره دارد.

ترکیه **دو** منفعت اصلی در سوریه دارد. **اولی** ایجاد شرایطی است که در آن سه میلیون پناهنده سوری در ترکیه که در جریان جنگ داخلی از وطن خود گریخته اند، بتوانند به کشور خود بازگردند. اگر دولت جدید دمشق بتواند صلح و نظم اساسی را برقرار کند و کمک های بین المللی دریافت کند، اکنون ممکن است قابل دستیابی باشد. بر اساس گزارش ها، صدها پناهجو در صف ایستاده اند تا از ترکیه به سوریه برگردند.

دومین منافع ترکیه کاهش قدرت و قلمرو **کردهای** سوریه است که آنها را به متحد بودن با شورشیان کرد **پ ک ک** در ترکیه متهم کرده است. همزمان با حمله IHT علیه رژیم بعث، شورشیان «ارتش ملی سوریه» مورد حمایت ترکیه با حمایت نیروی هوایی ترکیه، حمله ای را علیه کردهای PYD (که رسماً توسط ترکیه به عنوان «تروریست» معرفی شده است) آغاز کردند و **شهر منبج** را تصرف کردند. این وضعیتی را ایجاد می کند که در آن نیروهای نیابتی تحت حمایت یکی از اعضای ناتو (هر چند عضوی که به طور فزاینده ای از هم جدا شده اند) به یک نماینده آمریکا حمله می کنند، بدون اینکه ایالات متحده ظاهراً بتواند در این مورد کاری انجام دهد.

اگر ترکیه رژیم جدید دمشق را تحت فشار قرار دهد تا به حمله به مناطق تحت کنترل کردها در شمال شرق سوریه بپیوندد، این امر برای واشنگتن معضلاتی مشابه آنچه که روسیه در غرب با آن مواجه است ایجاد خواهد کرد. آیا دولت ترامپ متحدان خود را رها می کند، مطابق با بیانیه ترامپ که «این مبارزه ما نیست. بذار پخش بشه درگیر نمی شوی؟» یا اینکه خواسته های «اعتبار» واشنگتن را وادار می کند تا به کمک آنها بیاید، حتی به قیمت احتمالی ایجاد یک بحران عمیق با ترکیه

خاور میانه شبیه میز بلیارد است که در آن حرکت یک توپ می تواند توپ های دیگر را در جهات مختلف به پرواز درآورد و به نوبت از یکدیگر جهش کند. تفاوت این است که برخلاف بلیارد، حتی باهوش ترین متخصص هم نمی تواند پیش بینی کند که توپ ها در کدام جهت حرکت می کنند. و هیچ بازیکن خاصی نتوانسته است آنها را کنترل کند.

در مجموع، به نظر می رسد عاقلانه ترین رویکرد، رویکرد چینی ها باشد که بسیاری از انرژی خود را از منطقه وارد می کنند، در حالی که قاطعانه از مداخله و جانبداری در درگیری های آن اجتناب می کنند.

هما نطور که یک دیپلمات چینی سال ها پیش به من گفت: "چرا می خواهیم در آن آشفتگی درگیر شویم؟"

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

آناتول لیون

آناتول لیون مدیر برنامه اوراسیا در مؤسسه کوئینسی برای امور دولتی مسئولیت پذیر است. او قبلاً استاد دانشگاه جورج تاون قطر و در گروه مطالعات جنگ کینگز کالج لندن بود.



آناتول لیون

----- با تقدیم احترامات «2024-12-10»

.....